

## یکی از عوامل رستگاری از منظر امام صادق علیه السلام

ابوقره گوید: شبی امام جعفر صادق - علیه صلوات الله الصادق- را دیدم که مشغول طواف خانه خدا کعبه معظمه بود و مکرر به خدا عرض می کرد: اَللّهُمَّ قِنِي شَحَّ نَفْسِي. خداوند! مرا از بخل و حرص نفسم، حفظ فرما. پرسیدم: یابن رسول الله! شما از آغاز شب تا پایان آن، غیر از این دعا را نخواندید؟ فرمود: چه چیز بدتر از بخل و حرص نفس که خداوند می فرماید: وَ مَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ قَاوَلُكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ. (حشر/ ۹، تغابن/ ۱۶) و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند.

[ محمد حسین محمدی، هزار و یک حکایت قرآنی، قم، نیلو فرانسه، چاپ دهم، ۱۳۹۴، ص ۸۲ ]

## تشکر خداوند از جعفر طیار!

در مواعظ العددیه آمده است که: جبرئیل نزد پیامبر خدا آمد و عرضه داشت: «بدرستی که خداوند متعال می خواهد از جعفر طیار تشکر کند به خاطر چهار خصلتی که در زمان جاهلیت داشته و الان هم که مسلمان است آن چهار خصلت را دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله جناب جعفر را خواند و به او جریان وحی را خبر داد. جناب جعفر گفت: «اگر خداوند به شما خبر نداده بود، من هم نمی گفتم. سپس آن چهار صفت را بیان کرد؛ از جمله این که من در زمان جاهلیت و اسلام تا به حال هرگز شراب نخوردم، بتی را نپرستیدم، زنا نکردم و چهارمین خصلت من این بود که: ما کَذَبْتُ قَطُّ لَأَنِّي رَأَيْتُهُ دَنَاءً. هرگز دروغی را نگفته ام. برای اینکه دیدم دروغ گفتن، دلالت بر پستی و فرومایگی انسان می کند».

[ محمودی گلیایگانی، درمضهر مجتهدی (تهرانی)، جلد دوم، ص ۱۹۵ تا ۱۹۷ ]



## حکومت بر دلها!



مسیر صفی آباد دزفول یک منطقه ی خوش آب و هوا و دارای طبیعت بسیار زیبایی است. باغ های مرکبات و سیفی جات زیادی هم در این مسیر وجود دارد. یک بار وقتی از این مسیر رد می شدیم کنار جاده ایستادیم و مقداری سبزی چیدیم که با غذای ظهریخوریم. ظهر هنگام خوردن غذا آقا مهدی با دیدن سبزی وسط سفره گفت: (ما این امکان رو داریم که با غذا مون سبزی بخوریم بقیه بچه ها که این امکان رو ندارن چی؟ یا ماهم باید مثل اونا باشیم، یا آنها هم باید با غذاشون سبزی بخورن.) خلاصه برنامه ای چید که تدارکات لشکر هر روز می رفت سبزی شسته و بسته بندی شده از دزفول تهیه می کرد و به همراه غذا به بسیجی ها میداد. یک بار دیگر هم یک روز از شروع عملیات گذشته بود که برای ناهار چلو برگ آوردند، عجب چلو برگ دیشی هم بود انگار از رستوران های خود تبریز آورده بودند. وقتی سفره را انداختیم و خواستیم غذا بخوریم آقا مهدی گفت: (صبر کنین!) بی سیم زد به خط تا مطمئن شود که از همین غذا به بچه های خط که در اول درگیری ها هستند هم رسیده یا نه و تا مطمئن نشد لب به غذا نزد او تا این حد اخلاص داشت و هر چیزی را که برای خودش می خواست، برای دیگران هم می خواست اگر امکاناتی بود که بقیه نمی توانستند از آن استفاده کنند او هم از آن امکانات استفاده نمی کرد به خاطر همین کارهایش بود که بر دل های بچه ها حکومت می کرد.

[ علی اکبری، نمی توانست زنده بماند ( خاطراتی از سردار شهید مهدی باکری)، تهران، یا زهرا سلام الله علیها، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ص ۳۳ ]

### سوال

بعضی از مدیران برای تشویق مأموران، حق مأموریت پنجاه درصد را هفتاد و پنج درصد یا صد در صد محاسبه می کنند. آیا دریافت این حق مأموریت اشکال دارد؟

### جواب

اگر قوانین و مقررات، چنین اختیاری به فرماندهان و مدیران داده باشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

( استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای مدظله العالی، فقه سازمانی - احکام فرماندهی - پژوهشگاه امام صادق علیه السلام )